

## سبک زندگی اسلامی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی

### Islamic Lifestyle in the Civilizational Discourse of the Islamic Revolution

Mohammad Sadegh Shojaei<sup>1</sup>

محمد صادق شجاعی<sup>۱</sup>

#### Abstract

The Islamic Revolution of Iran was one of the significant phenomena of the 20th century, whose effects extended beyond national borders in political, economic, cultural, and social spheres. One of the fundamental dimensions of this transformation is the prominence of the Islamic lifestyle in contrast to the Western lifestyle. The present study was conducted with a descriptive-analytical approach and aimed to investigate the Islamic lifestyle in the civilizational discourse of the Islamic Revolution. Based on Islamic sources, lifestyle can be explained at five levels: individual, family, social, national, and international. Its position was also examined within the five-stage model of the Islamic Revolution, which includes revolution, establishment of an Islamic system, formation of an Islamic government, formation of an Islamic society, and the emergence of a new Islamic civilization. The findings indicated that in the civilizational stage, the Islamic lifestyle, as a multi-dimensional construct comprising religious beliefs, human values, and social culture, forms the core text of the new Islamic civilization. Realizing this requires the manifestation of Islamic values in areas such as family, employment, social relations, dress, recreation, and consumption patterns. The results showed that the Islamic lifestyle can pave the way for the realization of a "good life" and cultural, political, economic, and social impacts at the global level, providing theoretical and practical foundations for policymaking in the civilizational discourse of the Islamic Revolution.

**Keywords:** Islamic revolution, Islamic lifestyle, new Islamic civilization, civilizational discourse.

1. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Email: psyalmustafa@gmail.com

Date Received: 26/06/2025

Date Accepted: 30/08/2025

#### چکیده

انقلاب اسلامی ایران از پدیده‌های مهم قرن بیستم بود که آثار آن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فزاینده‌تری از مرزهای ملی گسترش یافت. یکی از ابعاد اساسی این تحول، برجسته‌سازی سبک زندگی اسلامی در تقابل با سبک زندگی غربی است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی سبک زندگی اسلامی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی انجام شد. براساس منابع اسلامی، سبک زندگی در پنج سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی قابل تبیین است؛ همچنین جایگاه آن در الگوی پنج‌مرحله‌ای انقلاب اسلامی شامل انقلاب، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که در مرحله تمدنی، سبک زندگی اسلامی به‌عنوان سازه‌ای چندبعدی متشکل از باورهای دینی، ارزش‌های انسانی و فرهنگ اجتماعی، متن اصلی تمدن نوین اسلامی را شکل می‌دهد. تحقق این امر نیازمند بروز ارزش‌های اسلامی در عرصه‌هایی چون خانواده، اشتغال، روابط اجتماعی، پوشش، تفریح و الگوی مصرف است. نتایج نشان داد سبک زندگی اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه و آثار فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جهانی باشد و مبنای نظری و کاربردی برای سیاست‌گذاری در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی فراهم آورد.

**واژه‌های کلیدی:** انقلاب اسلامی، سبک زندگی اسلامی، تمدن نوین اسلامی، گفتمان تمدنی

۱. استادیار پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

psyalmustafa@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۱۸

## مقدمه

سبک زندگی یکی از موضوعاتی است که توجه بسیاری از اندیشمندان و متفکران حوزه‌های مختلف علوم انسانی را به خود جلب کرده و در دهه‌های اخیر به یکی از اصطلاحات پرکاربرد در کتاب‌ها، مقاله‌ها، رسانه‌ها و حتی گفتگوهای روزمره تبدیل شده است. در لاتین املائی کلمه سبک زندگی سه حالت دارد: ۱. دوکلمه مستقل و جداگانه: life style؛ ۲. یک کلمه همراه با خط فاصله: life-style و ۳. یک کلمه بدون خط فاصله: lifestyle. در این پژوهش از قالب تک‌کلمه‌ای پیروی شده است. مفهوم سبک زندگی مواردی مانند نگرش‌ها، ارزش‌ها، جهان‌بینی، الگوی روابط اجتماعی، مصرف فرهنگی و برنامه‌های اوقات فراغت را شامل می‌شود (بابادی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). در فرهنگ آکسفورد سبک زندگی به روش و شیوه زندگی فرد تعریف می‌کند (استیونسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۱۰۱۲).

از نظر برخی پژوهشگران پیشینه مفهوم سبک زندگی به قرن هجدهم و حتی ششم میلادی بازمی‌گردد. جورج زیمل<sup>۳</sup> اصطلاح سبک زندگی را در کتاب خود با عنوان فلسفه پول<sup>۴</sup> (۱۹۰۰) آورد که آن را به زبان آلمانی نوشته بود. ماکس وبر<sup>۵</sup> در سال ۱۹۲۲ این اصطلاح را وارد ادبیات جامعه‌شناسی کرد (ویال<sup>۶</sup>، ۱۹۹۳). آلفرد آدلر<sup>۷</sup> مفهوم سبک زندگی را در سال ۱۹۲۹ در روان‌شناسی به کار برد (استولتز<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). تا دهه ۱۹۵۰ تعداد پژوهش‌های مربوط به سبک زندگی بسیار محدود و اندک بود. در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ سبک زندگی به یکی از جذاب‌ترین موضوعات پژوهشی تبدیل و در زمینه‌های مختلف بحث و بررسی شد (هولت<sup>۹</sup>، ۱۹۹۷). اگرچه در این دوران اصطلاح سبک زندگی به صراحت در برخی پژوهش‌ها به کار می‌رفت، ولی محتوای سبک زندگی را می‌توان در مطالعات زیادی مشاهده کرد (سیلی<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۱۹۵۶؛ گانز<sup>۱۱</sup>، ۱۹۶۹). یکی از جنبه‌های سبک زندگی که در این دوره توجه پژوهشگران را به خود جلب کرد، مسئله اوقات

1. Babadi, F.
2. Stevenson, A.
3. Georg Simmel
4. Philosophie de Geldes
5. Max Weber
6. Veal, A. J.
7. Alfred Adler
8. Stoltz, K.
9. Holt, D.
10. Seeley, J.
11. Gans, H.

فراغت بود (هاویگورست<sup>۱</sup>، ویلنسکی<sup>۲</sup>، ۱۹۶۹). در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ پژوهش‌های تجربی درباره سبک زندگی به اوج خود رسید. پژوهشگران در رشته‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و بازرگانی به نظریه‌پردازی، سنجش و اندازه‌گیری سبک زندگی پرداختند (پارکر<sup>۳</sup>، زابلوکی<sup>۴</sup> و کانتر<sup>۵</sup>، ۱۹۷۶؛ پیریالوت<sup>۶</sup>، ۱۹۷۷).

درباره سبک زندگی دو رویکرد اصلی وجود دارد: جامعه‌شناسی و روان‌شناسی (چانی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲: ۲۵). رویکرد جامعه‌شناسی متمرکز بر ساخت‌های اجتماعی بوده، و مفهوم سبک زندگی را در سطح فرهنگی و ملی بررسی می‌کند؛ درحالی‌که سبک زندگی در روان‌شناسی معادل مفهوم شخصیت و در ارتباط با فرد به کار می‌رود. در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت متفاوت به عمل آمده است؛ در برداشت اول که سابقه آن به دهه ۱۹۲۰ بازمی‌گردد، سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد بوده، نشان می‌دهد هر فرد به کدام طبقه اجتماعی تعلق دارد (چاپمن<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳). هر طبقه اجتماعی سبک زندگی مخصوص به خود را دارند؛ برای مثال وبر سبک زندگی را به این معنا به کار برده است (یوث<sup>۹</sup>، ۱۹۹۶: ۵). در برداشت دوم، سبک زندگی نه راهی برای تعیین طبقه اجتماعی افراد، بلکه شکل اجتماعی نوینی در نظر گرفته می‌شود که در نتیجه تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی پدید آمده است (بورديو، ۱۹۸۴؛ گیدنز، ۱۹۹۱). در این معنا سبک زندگی شیوه‌ای برای نشان دادن ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد است که برای شناخت هویت اجتماعی آنها به کار گرفته می‌شود. یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای سنجش سبک زندگی ابزاری موسوم به مقیاس اتاق نشیمن<sup>۱۰</sup> است. این مقیاس بر این اساس ساخته شده که سبک زندگی و اشیای تحت تملک افراد در طبقه‌های اجتماعی با هم تفاوت دارد و این تفاوت‌ها در اسباب و اثاثیه منزل و چیدمان اتاق محل زندگی فرد خود را نشان می‌دهد (چاپمن، ۱۹۹۵: ۳۷۵). مقیاس اتاق نشیمن شامل ۲۱ گویه است که چهار بُعد سطح درآمد، سرمایه فرهنگی، پایگاه اجتماعی و میزان مشارکت در فعالیت‌های گروهی را می‌سنجد. استفاده از این مقیاس نشان می‌دهد که افراد از نظر سبک

1. Havighurst, R.J.
2. Wilensky, H.L.
3. Parker, S.
4. Zablocki, B. D.
5. Kanter, R. M.
6. Perreault, W. D.
7. Chaney, D.
8. Chapman, D.
9. Uth, T. C.
10. Living room scale

زندگی در چه مؤلفه‌هایی با هم تفاوت دارند (کورنیلز، ویرمت<sup>۱</sup> و واندن برانک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷).

در نظریه آدلر سبک زندگی به عنوان یک الگوی ذهنی، نحوه ارتباط فرد با دیگران، انتخاب همسر، شغل، تحصیل، لباس، تفریح و گذران اوقات فراغت را تعیین می‌کند. آدلر از سبک زندگی به برنامه زندگی<sup>۳</sup> هم تعبیر کرده است که پایه‌های اصلی آن در پنج سال اول زندگی شکل می‌گیرد. پس از این دوران تمام فعالیت‌های فرد در این الگوی رفتاری جذب و بر این اساس تفسیر می‌شوند (رایکمن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳: ۱۱۳۳). از نظر آدلر سبک زندگی به دو شکل بهنجار (سالم) و نابهنجار (ناسالم) طبقه‌بندی می‌شود. شاخص اصلی سبک زندگی بهنجار در نظریه آدلر علاقه اجتماعی می‌باشد که به صورت همکاری با دیگران برای پیشرفت جامعه به جای نفع شخصی آشکار می‌شود (آدلر، ۱۹۶۴؛ به نقل از: فیست و فیست، ۱۳۸۷: ۹۴). افرادی که سبک زندگی سالم دارند، علاقه اجتماعی خود را در عمل نشان می‌دهند.

امروزه با وجود رویکردهای مختلف و مفهوم‌سازی‌های متفاوت از سبک زندگی هرگاه این واژه به کار می‌رود، منظور از آن الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه‌ای است که به صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود. باید توجه داشت که سبک زندگی با نظر به ارزش‌ها و باورهای افراد از فرهنگی به فرهنگ دیگر فرق می‌کند، ولی هر کدام بخشی از نظام‌های فکری بزرگ‌تری هستند که به عنوان «کلان‌نظام»<sup>۵</sup> شناخته می‌شوند؛ برای مثال فرهنگ غربی و فرهنگ اسلامی دو کلان‌نظام هستند که هر کدام سبک زندگی مخصوص به خود را دارند. پایه و اساس فرهنگ غربی را اومانیسم، سکولاریسم، اصالت فرد، لذت‌جویی، تنوع‌طلبی و دین‌گریزی تشکیل می‌دهد. بنابر فرهنگ غربی آنچه برای فرد ارزش دارد، بهره‌مندی از زندگی توأم با راحتی، خوشی و آسودگی است. ریشه تاریخی فرهنگ غربی به مدرنیته برمی‌گردد (سورین سین، ۲۰۰۰)؛ در واقع مدرنیته سبب به وجود آمدن این نوع ایدئولوژی و سبک زندگی شده است. بی‌بندوباری و فساد اخلاقی بارزترین شاخصه سبک زندگی غربی است. باید توجه داشت که سبک زندگی غربی محدود و منحصر به کشورهای غربی نیست، بلکه به کشورها و فرهنگ‌های دیگر نیز راه یافته و در دهه‌های اخیر جهان با تهاجم گسترده و همه‌جانبه فرهنگ غرب روبه‌رو شده است (سید نژاد و همکاران، ۱۳۹۳).

1. Cornelisse Vermaat, J.

2. Van Den Brink, H.

3. life plan

4. Ryckman, R. M.

5. macro system

در واقع هدف اصلی دشمن از تهاجم فرهنگی، ترویج سبک زندگی غربی است؛ در چنین شرایطی کشورهای اسلامی و به‌ویژه جمهوری اسلامی مسئولیت بسیار بزرگی را در مقابله با تهاجم فرهنگی غرب بر دوش دارد. مهم‌ترین کاری که باید صورت گیرد این است که سبک زندگی اسلامی در جامعه نهادینه‌سازی شود. پیش‌نیاز نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی این است که نخست مفهوم سبک زندگی اسلامی و قلمرو آن مشخص شود. پژوهش‌های مختلفی در مورد سبک زندگی اسلامی انجام شده است؛ برای مثال مؤلفه‌های فردی سبک زندگی اسلامی (مختاری اردستانی، ۱۳۹۱)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن (کاویانی، ۱۳۹۲)، سبک زندگی اسلامی و جوانان (میر، ۱۳۹۲)، نقش زنان در سبک زندگی اسلامی (فتاحی‌زاده و رضایی، ۱۳۹۶)، سبک زندگی پلیس اسلامی (عبدالرحیمی، ۱۳۹۶)، شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی (طباطبایی و سیم‌فروش، ۱۳۹۵)، دین و سبک زندگی (مه‌دوی کنی، ۱۳۸۷)، مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی (خطیبی و ساجدی، ۱۳۹۲)، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی (مظاهری و پورسامانی، ۱۳۹۶) از جمله پژوهش‌ها در این زمینه است. هدف اصلی این تحقیقات مفهوم‌سازی سبک زندگی اسلامی در حیطه فردی، خانوادگی و اجتماعی با رویکرد درون فرهنگی است. درحقیقت ابعاد بین‌المللی و تمدنی سبک زندگی اسلامی در این پژوهش‌ها مغفول مانده است؛ درحالی‌که رهبر معظم انقلاب بر ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی تأکید داشته، و می‌گوید: «هدف انقلاب اسلامی ایجاد تمدن نوین اسلامی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱). بی‌شک تمدن نوین اسلامی در سبک زندگی ظهور و بروز می‌یابد؛ از این رو یکی از ویژگی‌های مهمی که برای یک تمدن در نظر گرفته می‌شود سبک زندگی است. برخی پژوهشگران سبک زندگی اسلامی را به مثابه تمدن در نظر گرفته و به تشریح و تبیین ابعاد آن پرداخته‌اند (وان نیوین هوجزه<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵).

انقلاب اسلامی در ایران تحول بزرگی را پدید آورد که در نوع خود بی‌سابقه است. برخورداری از قدرت سیاسی و رقابت با قدرتهای بزرگ، گام نخست برای تحقق بخشیدن به اهداف و آرمان‌های این انقلاب بود. اینک انقلاب اسلامی پس از گذشت یک دوره چهل ساله و پشت سر گذاشتن جنگ و تحریم و فشارهای سیاسی در گام دوم با شعار «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» باید بتواند حیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

1. van Nieuwenhuijze, C. A.

متناسب با خودش را در قالب یک نوع سبک زندگی عینیت بخشد و در عرصه بین‌المللی ارائه کند؛ زیرا یک نظام فکری هر اندازه هم عقلانی، برهانی، مستحکم و گسترده باشد، ولی نتواند در واقعیت اجتماعی تبدیل به منطق حیات و سبک زندگی افراد جامعه شود؛ عملاً ناموفق بوده، و نتوانسته است کارآمدی خود را به اثبات رساند. هدف اصلی پژوهش حاضر مفهوم‌سازی سبک زندگی اسلامی در قلمرو بین‌المللی و گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی است.

### روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. معمولاً این روش در جایی کاربرد دارد که پژوهشگر، افزون بر تصویرسازی وضعیت موجود به تشریح و تبیین وضعیت مطلوب و دلایل چگونگی و چرایی آن می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۷۱). باید توجه داشت که برای تشریح و تبیین وضعیت مطلوب نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی وجود دارد. در پژوهش حاضر، این تکیه‌گاه از راه جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و گزاره‌های متون دینی در ارتباط با سبک زندگی فراهم می‌شود؛ بنابراین فرایند کار به این صورت خواهد بود که نخست اطلاعات با مراجعه به منابع اسلامی گردآوری و سپس با به‌کارگیری شیوه‌های مختلف استدلال در راستای هدف تحقیق تجزیه و تحلیل شد.

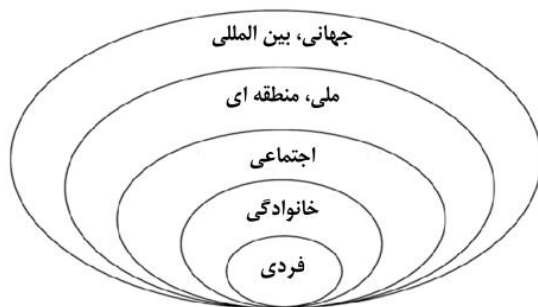
### یافته‌های پژوهش

اصطلاح سبک زندگی در منابع اسلامی به کار نرفته است، ولی مفاهیم و گزاره‌های زیادی در منابع اسلامی وجود دارد که با سبک زندگی در ارتباط است؛ در واقع همه دستورالعمل‌هایی که در آیات و روایات برای چگونگی زیستن و کیفیت برنامه‌ریزی در زندگی بیان شده، ناظر به سبک زندگی اسلامی است. در تعالیم اسلامی برای همه امورات زندگی برنامه‌هایی پیشنهاد شده تا زندگی بشر روزبه‌روز به بهترین حالت خود، یعنی حیات طیبه نزدیک‌تر شود؛ در واقع هدف سبک زندگی اسلامی، دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی است. براساس یافته‌های این پژوهش، نزدیک‌ترین واژه به سبک زندگی در منابع اسلامی کلمه ادب و جمع آن آداب می‌باشد که در لغت به معنای عادات، رسوم و روش‌های پسندیده (معین، ۱۳۸۷: ۱۰) تعریف شده است. در اسلام برای همه عرصه‌های زندگی آدابی بیان می‌شود (طبرسی، ۱۳۸۰). در یک تقسیم‌بندی کلی آداب به دو بخش ظاهری و باطنی طبقه‌بندی می‌گردد؛ آداب ظاهری

رفتارهای افراد در ارتباط با پوشش، نظافت، خوراک، پوشاک، تفریح و سرگرمی، تعاملات اجتماعی و نیز آداب باطنی عقاید، باورها، صفات و حالات روحی افراد را شامل می‌شود. محتوای سبک زندگی را مجموع این دو دسته از آداب ظاهری و باطنی تشکیل می‌دهد.

از گذشته‌های دور، اندیشمندان مسلمان در ضمن مباحث اخلاقی و عرفانی خود به بررسی این دو دسته از آداب پرداخته‌اند. برخی دیگر از پژوهش‌ها ذیل تاریخ و سیره معصومان علیهم‌السلام با تعابیر مختلفی مانند سنن النبوی (طباطبایی، ۱۳۸۱)، شمائل النبوی (ترمذی، ۱۴۲۹)، خصائص النبوی (زارعی، ۱۴۰۰) و مواردی از این دست به ثبت رسیده است. مجلسی (۱۴۰۳) در بحار الانوار بخشی را با عنوان کتاب العشره اختصاص داده که موضوع آن آداب زندگی اجتماعی است. طبرسی (۱۳۸۰) مباحث مربوط به سبک زندگی را در مجموعه‌ای با عنوان الآداب الدینیة للخزانة المعینیة گردآوری کرده است. از دیگر آثاری که به موضوع سبک زندگی پرداخته، می‌توان به مرآة الکمال (مامقانی، ۱۴۲۷ق)، مکارم الاخلاق (طبرسی، ۲۰۱۱) و مفاتیح الحیات (جوادی آملی، ۱۴۰۱) اشاره کرد.

مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با سبک زندگی در منابع اسلامی نیز بررسی شده است؛ نتایج نشان می‌دهد سبک زندگی از دوران کودکی و تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند الگوهای تربیتی والدین، وضعیت خانوادگی، نظام آموزشی، تأثیرپذیری از دوستان، نهادهای اجتماعی و رفتار و عملکرد خود فرد شکل می‌گیرد. سبک زندگی، نخست جنبه فردی داشته و به مرور زمان به حیطه‌های خانوادگی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی گسترش می‌یابد؛ بنابراین شاید بتوان سبک زندگی را در پنج لایه فردی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی به شکل دایره‌های متحد‌المركزی در نظر گرفت که بر روی هم قرار گرفته‌اند (شکل ۱).



شکل ۱: سطوح پنجگانه سبک زندگی بر اساس منابع اسلامی

چنان‌که مشاهده می‌شود، سبک زندگی فردی در مرکز این مدل قرار دارد. سبک زندگی فردی بیانگر شاکله فرد است و ریشه رفتارهای فرد به آن برمی‌گردد؛ در مرحله بعد، سبک زندگی خانوادگی است و شامل ارزش‌ها و اصول و قواعدی می‌شود که فرد در ارتباط و تعامل با دیگر اعضای خانواده به کار می‌گیرد. سبک زندگی اجتماعی به فعالیت‌ها و کنشوری‌های اجتماعی، ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه از افراد مربوط می‌شود. روشن است که ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در گروه‌های فرهنگی، اجتماعی مختلف با یکدیگر فرق می‌کند. در آموزه‌های اسلامی برای خانواده یک سری ارزش‌هایی در نظر گرفته شده که به عنوان بخشی از سبک زندگی باید رعایت شود (آذربایجانی و شجاعی، ۱۴۰۰: ۱۶۳). شواهد تجربی نیز بیانگر آن است که سبک زندگی افراد در فرهنگ‌های مختلف با هم تفاوت دارد؛ برای مثال در سوئد، کتک زدن کودک توسط والدین کاری خلاف قانون است، ولی برخی از گروه‌ها در ایالات متحده آمریکا این رفتار را قابل اغماض می‌دانند. همچنین والدین طبقه متوسط در این کشور اغلب در پرورش کودک از اهداف و فلسفه‌های متفاوت با گروه‌های اجتماعی، اقتصادی پایین‌تر پیروی می‌کنند (هاریسون<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). ارزش‌های والدگری در خانواده‌های روستایی ممکن است با ارزش‌های خانواده‌های شهری متفاوت باشد (کولمن و همکاران، ۱۹۸۹؛ ورنون<sup>۲</sup> و کاکس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳)؛ بنابراین وقتی سبک زندگی در این سطح تحلیل و بررسی می‌شود، باید به این تفاوت‌ها توجه شود. در یک سطح بالاتر، سبک زندگی ملی را می‌توان در نظر گرفت که دیدگاه‌ها، قوانین، اصول اخلاقی و رسوم موجود در هر فرهنگ را نمایان می‌سازد. در بالاترین سطح، سبک زندگی جهانی و بین‌المللی است. در این نوع سبک زندگی ارزش‌های جهانی بروز و نمود می‌یابد و اسلام امت واحد جهانی را نوید می‌دهد. اسلام می‌خواهد تمام اختلاف‌ها و تفاوت‌ها را از بین ببرد، حتی اختلاف‌های دینی باید کنار گذاشته شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ؛ بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم» (آل عمران / آیه ۶۴). جوهر تفکر اسلامی و به‌ویژه تفکر شیعی، حکومت به شیوه جهانی است نه ملی و منطقه‌ای و گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی از این جوهر فکری نشئت می‌گیرد.

در فرهنگ شیعی، جامعه‌ها و تمدن‌ها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و درنهایت

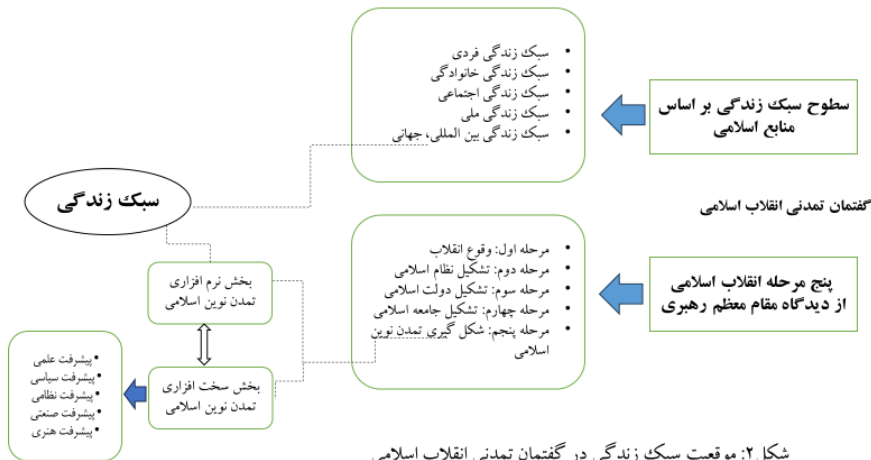
1. Harrison, A.  
2. Vernon, L.  
3. Cox, M.

در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته‌ای است که در آن همه ارزش‌های انسانی به فعلیت می‌رسد (رضوانی، ۱۳۸۱). اسلام از همان آغاز با قاطعیت تمام به عنوان وعده الهی از آینده‌ای بسیار روشن و درخشان خبر داده است که با تکامل فکری و عقلی بشر، جامعه‌ای ایده‌آل با عنوان جامعه مهدوی در ابعاد جهانی تشکیل خواهد شد. در دهه‌های اخیر با گسترش سریع ارتباطات و شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی زمینه شکل‌گیری جامعه جهانی پدید آمده است و نمونه کامل و مطلوب آن در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت.

در واقع هدف اصلی گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی زمینه‌سازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. مقام معظم رهبری به عنوان نظریه‌پرداز اصلی گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی یک الگوی پنج مرحله‌ای را در این باره مطرح کرده است. از نظریه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مستلزم پشت سر گذاشتن پنج مرحله بدین شکل است: مرحله اول آن انقلاب است که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به وقوع پیوست؛ مرحله دوم تشکیل یک نظام اسلامی است و ملت ایران در ۱۳ فروردین ۱۳۵۷ به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند؛ مرحله سوم تشکیل دولت اسلامی است؛ مرحله چهارم تشکیل جامعه اسلامی و مرحله پنجم شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. از نظر مقام معظم رهبری، اکنون ما در مرحله سوم قرار داریم و هنوز جامعه اسلامی به معنای واقعی کلمه شکل نگرفته است. اگر این مرحله به خوبی پشت سر گذاشته شود، زمینه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فراهم خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲). دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره تمدن نوین اسلامی و الگوی پنج مرحله‌ای برخاسته از آن، پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ای را با عنوان «گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی» به بار آورده است (رک: خلعتبری و همکاران، ۱۴۰۰).

در نظام فکری مقام معظم رهبری، عناصری که تمدن نوین اسلامی را می‌سازند از دو بخش ابزاری و محتوایی تشکیل یافته است؛ بخش ابزاری آن پیشرفت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، صنعتی و نظامی را شامل می‌شود و بخش محتوایی تمدن نوین اسلامی بیانگر سبک زندگی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). در بخش ابزاری تمدن نوین اسلامی (زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، صنعتی و هنری) پیشرفت‌های خوبی انجام شده است، اما در بخش محتوایی و سبک زندگی پیشرفت ما چشمگیر نیست. از نظر مقام معظم

رهبری در این زمینه، ما مثل بخش اول عمل نکرده‌ایم؛ بنابراین باید آسیب‌شناسی شود که چرا در زمینه سبک زندگی ناموفق بوده‌ایم! اگر ما در این بخش پیشرفت نکنیم، پیشرفت در بخش‌های دیگر (سیاسی، اقتصادی، صنعتی، نظامی و...) نمی‌تواند زمینه تمدن نوین اسلامی را فراهم کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). با توجه به آنچه بیان شد سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی از جایگاه بسیار برجسته و ممتازی برخوردار است؛ در واقع بدون سبک زندگی اسلامی، تمدن نوین اسلامی امکان‌پذیر نیست. برای ایجاد تمدن نوین اسلامی یکی از اقدامات اولیه و ضروری توجه ویژه به سبک زندگی اسلامی و الگوهای رفتاری متناسب با آن است. سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی مواردی مانند ازدواج، خانواده، لباس، الگوی مصرف، نوع مسکن، تفریح، کسب و درآمد و تعاملات افراد و گروه‌ها را در سطح گسترده شامل می‌شود (شکل ۲). نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در سبک زندگی مایه خوشبختی جوامع بشری است و کمک زیادی به تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد کرد.



سبک زندگی کاملاً جنبه فردی دارد و آنگاه وارد چرخه گفتمان تمدنی می‌شود که در سطح جهانی و بین‌المللی تبلور یابد. در این سطح افراد نه تنها نیازها و منافع شخصی، خانوادگی و منطقه‌ای خود را در نظر می‌گیرند، بلکه احساس یگانگی با کل بشریت را دارند و در برابر همگان احساس مسئولیت می‌کنند. از نظر اسلام جامعه بشری همه اعضای یک پیکرند و یک هویت جمعی مشترک دارند (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۷). هدف سبک زندگی در گفتمان تمدنی

انقلاب اسلامی شکوفایی فطرت انسانی است.

همچنین براساس یافته‌های این پژوهش، سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی از یک پیشینه بسیار غنی برخوردار است. به لحاظ تاریخی تمدن اسلامی به مجموعه‌ای از افکار، عقاید، علوم، هنرها و صنایع اشاره دارد که در سال‌های متمادی با الهام از آموزه‌های دینی به وسیله مسلمانان پدید آمده است (کوران، ۱۳۷۱: ۱۷). تمدن اسلامی، ویژه یک گروه یا نژاد خاص نیست، بلکه مربوط به همه ملت‌های مسلمان است. در زمان امویان تمدن اسلامی وارد دوره پختگی خود شد و در عصر عباسیان به اوج شکوفایی رسید. مرکز این تمدن، نخست شهر بغداد و سپس اندلس بود (حجاری، ۱۳۸۳: ۱۴۰). شواهد تاریخی بیانگر آن است که اسلام در طول چند قرن بر بیشتر سرزمین‌های آباد جهان مسلط شد و قسمت بزرگ آسیا، آفریقا و قسمتی از اروپا را تحت سلطه و اقتدار خود درآورد (قربانی، ۱۳۷۴). قلمرو تمدن اسلامی در شرق تا چین و هند و در شمال شرقی تا سمرقند و بخارا و خوارزم امتداد داشت. مردم این سرزمین‌ها حول محور یک فرهنگ و دین مشترک جمع شده بودند و همه آنها خود را عضو تمدن وسیع و گسترده‌ای می‌دانستند که مرکز مذهبی آن مکه و مرکز سیاسی آن بغداد بود. این تمدن بیش از دیگر تمدن‌ها به علم و دانش اهمیت می‌داد و میراث فرهنگی و نوعی سبک زندگی (آداب و رسوم، اعتقادات، باورها، سنن) ویژه‌ای را از خود بر جای گذاشت (لوبون، ۱۳۷۵)؛ با این حال تمدن اسلامی در یک برهه‌ای از تاریخ رو به افول گذاشت و سبک زندگی برخاسته از آن کمرنگ شد (قربانی، ۱۳۶۱). تمدن اسلامی در حیات دوباره خود به دنبال تحقق چنین هدف و آرمانی است.

سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی بر پایه چهار عنصر بنیادین استوار است که نخستین عنصر آن را عقلانیت تشکیل می‌دهد. عقلانیت یک مؤلفه بسیار مهم و اساسی است؛ زیرا زمینه هم‌زبانی و تفاهم میان انسان‌ها، ملل و تمدن‌ها را فراهم می‌کند. خداوند در قرآن افراد را به تعقل فراخوانده است (بقره / آیه ۴۴ و ۷۳). در روایات از عقل به حجت باطنی تعبیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۳۷)؛ در این سطح، معیار سبک زندگی حسن و قبح عقلی است. دومین مؤلفه سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی فطرت است. بنابر آموزه‌های دینی، خلقت و سرشت انسان‌ها براساس فطرت الهی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ؛ این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را

براساس آن آفریده و دگرگونی در آفرینش الهی نیست» (روم / آیه ۳۰). طبق این آیه فطرت یک ویژگی همگانی است؛ بنابراین در همه افراد یک سری ویژگی‌ها و گرایش‌هایی وجود دارد که می‌تواند پایه و اساس سبک زندگی آنها را تشکیل دهد. سبک زندگی وقتی جنبه تمدنی به خود می‌گیرد که با فطرت و سرشت انسان همخوانی داشته باشد؛ برای مثال گرایش به زیبایی یکی از ابعاد فطرت انسان می‌باشد که مشترک بین همگان بوده، و بخش قابل توجهی از رفتارهای افراد به عنوان سبک زندگی برخاسته از این نیاز فطری است. فطرت ظرفیت بسیار مهمی برای جهان‌شمولی تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۶۷).

سومین مؤلفه سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی، توحیدمداری است. گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی می‌باشد که براساس آن خداوند جهان را بنابر یک مشیت حکیمانه پدید آورده و نظام هستی براساس خیر، رحمت و رساندن موجودات به کمال شایسته آنها بنا شده است. این جهان براساس سنت‌های الهی اداره می‌شود (آل‌عمران / آیه ۱۳۷)<sup>۱</sup> و نظم بی بدیلی بر جهان هستی حاکم است (اسراء / آیه ۴۴). همه حرکت‌ها به یک سو و یک جهت در حال پیمودن مسیر هستند (شوری / آیه ۵۳)<sup>۲</sup>؛ بنابراین زندگی جنبه‌ای از او (انا لله) و به سوی او (انا الیه راجعون) دارد.

چهارمین مؤلفه سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی ویژگی عدالت‌خواهی است. در آیات و روایات هدف اصلی بعثت انبیا برپایی قسط و عدل معرفی شده است. خداوند در قرآن همه را به اقامه قسط و عدل فرمان می‌دهد (رحمن / آیه ۹)<sup>۳</sup>. در منظومه تفکر شیعی، عدالت جنبه‌های تکوینی، تشریحی، فردی و اجتماعی را شامل می‌شود (مطهری، بی‌تا: ۴۷). جهان‌شمولی اسلام اقتضا می‌کند که یکی از حیطه‌های سبک زندگی در سطح ملی و بین‌المللی عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در نظر گرفته شود (رمضانی، ۱۳۸۲: ۶۱). خداوند در قرآن به عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در میان مردم دستور داده است (نساء / آیه ۱۳۵)<sup>۴</sup>. از این رو در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری جایگاه ویژه‌ای دارد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که یکی عوامل اصلی زوال تمدن‌ها، ظلم و بی‌عدالتی بوده است. یکی دیگر از شاخص‌های سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی تشکیل امت واحده

۱. قَدْ خَلَقْنَا مِنْ قَبْلِكُمْ مَنًّا فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ.

۲. أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ.

۳. وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ.

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ.

است. تشکیل امت واحده همواره از دغدغه‌های پیامبر ﷺ بود. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛ و همانا این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم، از من پروا کنید» (انبیاء/ آیه ۹۲). هدف تشکیل امت واحده بالا بردن سطح وفاق اجتماعی و کاهش تنش‌ها و تعارض‌هاست. در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی، وحدت پایه و اساس برنامه‌ریزی‌ها خواهد بود. خداوند در قرآن به وحدت و یکپارچگی دستور داده است (آل عمران، ۱۰۳)؛ بنابراین سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی بر چهار مولفه عقلانیت، فطرت، توحیدمداری و عدالت‌خواهی استوار است. این مدل کاربردهای مهمی دارد که در پژوهش‌های بعدی به مفهوم‌سازی و تدوین شاخص‌های آن پرداخته خواهد شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که سبک زندگی بنابر یک ساختار سلسله‌مراتبی از حالت فردی آغاز و به سوی قلمروهای اجتماعی و بین‌المللی گسترش می‌یابد. گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی نمایی از پیشرفته‌ترین سازوکار تعاملی و مدل‌سازی سبک زندگی در سطح جهانی است. رهبر معظم انقلاب، تمدن نوین اسلامی را متشکل از دو بخش ابزاری و حقیقی در نظر گرفته که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد. از نظری با وجود اینکه در جنبه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و هنری پیشرفت‌های خوبی در طول چهار دهه انقلاب اسلامی به دست آمده است؛ ولی آنچه بیشتر اهمیت دارد و باید محور اصلی برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد، سبک زندگی اسلامی است.

بنابراین برای تشکیل جامعه اسلامی با همه ویژگی‌ها و شاخص‌های آن، نخست باید شیوه زندگی اسلامی در جامعه نهادینه شود. اگر الگوها و شیوه‌های زندگی بیگانه و غربی باشد، امکان تحقق تمدن نوین اسلامی وجود ندارد (قاسمی و نبوی، ۱۴۰۱). سبک زندگی یک پدیده چندوجهی است که در همه حیطه‌ها و قلمروهای زندگی از جمله خانواده، اشتغال، روابط اجتماعی، تفریح و اوقات فراغت، نوع پوشش، پایبندی به قانون و هزینه‌های زندگی (الگوی مصرف) نمود و بروز می‌یابد. در الگوی پنج مرحله‌ای گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی سبک زندگی در مرحله «تشکیل جامعه اسلامی» و «شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی» حضور پرزنگ

۱. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.

دارد؛ با این حال سبک زندگی در مرحله تشکیل جامعه اسلامی نقشی به مراتب فعال‌تر از مرحله شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را دارد. نخست باید سبک زندگی اسلامی شود تا اینکه تمدن نوین اسلامی شکل گیرد؛ بنابراین سبک زندگی عامل تسهیل‌کننده تمدن نوین اسلامی هم به شمار می‌رود.

سبک زندگی در جوامع دینی دربردارنده مهم‌ترین عناصر مذهبی و اجتماعی هستند که مورد پیروی توده مردم قرار می‌گیرند. جایگاه سبک زندگی در گفتمان تمدنی به اندازه‌ای برجسته و ممتاز است که برخی پژوهشگران سبک زندگی را مترادف با تمدن در نظر گرفته‌اند (وان نیوین هوجزه، ۱۹۸۵). براساس یافته‌های این پژوهش، سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی و پس از تشکیل حکومت اسلامی بر نوعی نظام اخلاقی جهان‌شمول مبتنی است که عقلانیت، فطرت، توحیدمداری و عدالت‌خواهی عناصر و مؤلفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند. فطرت ظرفیت بسیار مهمی برای جهان‌شمولی سبک زندگی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید؛ ظرفیتی که براساس آن ارزش‌های انسانی به سبک رایج زندگی اجتماعی تبدیل خواهد شد. از سوی دیگر نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی مایه نجات ملت‌ها بوده، و کمک زیادی به تحقق اهداف انقلاب اسلامی و سبک زندگی به عنوان بخش اصلی تمدن نوین اسلامی خواهد کرد.

سبک زندگی در این سطح با اخلاق جهانی<sup>۱</sup> ارتباط تنگاتنگی دارد. براساس تعریف، اخلاق جهانی به مجموعه‌ای از اصول و رویه‌های مشترک مورد وفاق ادیان، فرهنگ‌ها، عقلانیت جمعی و انتظارات همگانی گفته می‌شود. طبیعی است که این نوع نظام‌هنجاری برای کسب مقبولیت همگانی به بازخوانی دوباره، استنباط و مستندسازی به مواردی از آموزه‌ها، دستورات‌عمل‌ها و رهنمودها نیاز دارد، کاری که به‌تازگی برخی از سازمان‌های بین‌المللی درصدد انجام آن برآمده‌اند (میلی و سانچز، رونده<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳؛ پوجه<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). از نظر برخی پژوهشگران (تویس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱) اخلاق جهانی از این جهت موقعیتی مشابه حقوق بشر و سایر قوانین بین‌المللی و جهان‌شمول را دارد.

با این حال در شرایط کنونی که هنوز جامعه اسلامی شکل نگرفته، بی‌شک با برنامه‌ریزی‌ها

1. universal ethics

2. Melé, D. & Sánchez-Runde, C.

3. Pogge, T.

4. Twiss, S. B.

در نهادهای فرهنگی. اجتماعی و گفتمان سازی ناشی از اقدام نخبگان (حوزویان و دانشگاهیان)، می‌توان انتظار داشت که تلاش‌های انجام شده در زمینه سبک زندگی اسلامی در وهله اول به تشکیل جامعه اسلامی و در وهله بعد به شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی کمک کند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آذربایجانی، مسعود؛ شجاعی، محمد صادق. (۱۴۰۰). روان‌شناسی در نهج البلاغه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۴. ترمذی، محمد. (۱۴۲۹). شمائل النبی، مصر: مطبعه العمرانیه للاؤفت.
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۱). مفاتیح الحیات. قم: انتشارات اسراء.
۶. خلعتبری، حسام‌الدین؛ پورعباس، محمد. (۱۴۰۰). «تبیین عناصر وجودی سازنده تمدن نوین اسلامی با الگوگیری از دوسویه تمدن نبوی و مهدوی». مجله پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی. شماره ۱. صص: ۵۶-۳۲.
۷. رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۱). «فلسفه حکومت عدل جهانی». فصلنامه انتظار. شماره ۴. صص: ۱۲۳-۱۰۱.
۸. رضضانی، روح‌الله. (۱۳۸۲). صدور انقلاب ایران: سیاست اهداف و وسائل در جهان اسپوزیویو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن. ترجمه محسن مدیرشانه‌چی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۹. زارعی، مصطفی. (۱۴۰۰). خصائص النبی. قم: انتشارات سبط اکبر.
۱۰. سیدنژاد، سیدعلی؛ حاتمی، حمیدرضا؛ شبانی، محمدشاد؛ خلجی، عباس. (۱۳۹۳). «رابطه تهاجم فرهنگی غرب و کارکرد خانواده‌های ایرانی». فصلنامه فرهنگی- تربیتی خانواده. شماره ۲۸. صص: ۶۲-۳۷.
۱۱. شرف‌الدین، سیدحسین. (۱۳۸۷). «اخلاق جهانی ضرورت جامعه جهانی». پژوهشنامه اخلاق. شماره ۲. صص: ۴۳-۲.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۱). سنن النبی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. طبرسی، فضل. (۱۳۸۰). الآداب الدینیة للخرانه المعینة. قم: انتشارات زائر.
۱۴. طبرسی، محمد. (۲۰۱۱). مکارم الاخلاق. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۵. فیست، جس؛ فیست، گریگوری. جی. (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر روان.
۱۶. قاسمی، محمد؛ نبوی، سیدمحمد. (۱۴۰۱). «بررسی سبک زندگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر رویکرد مبنا و نحوه اجرا». مجله قرآن و علوم اجتماعی. شماره ۵. صص: ۲۷-۹.
۱۷. قربانی، زین‌العابدین. (۱۳۷۴). علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. کورانی، علی. (۱۳۷۱). عصر ظهور. ترجمه عباس جلالی. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۹. حجازی، فخرالدین. (۱۳۸۳). نقش پیامبران در تمدن اسلامی. تهران: انتشارات بعثت.
۲۰. لوبون، گوستاو. (۱۳۷۵). تمدن اسلام و عرب. تهران: انتشارات صدر.
۲۱. قربانی، زین‌العابدین. (۱۳۶۱). علل پیشرفت اسلامی و انحطاط مسلمین. تهران: دفتر نشر فرهنگ.
۲۲. مامقانی، عبدالله. (۱۴۲۷ق). مرآه الکمال لمن رام درک مصالح الاعمال، قم: انتشارات دلیل ما.
۲۳. معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات سرایش.
۲۴. نرم‌افزار حدیث ولایت. تهیه شده از سوی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <http://farsi.khamenei.ir/index.html>.
25. Babadi, F., Mohseni Tabrizi, A. & Azkia, M. (2022). Sociological Explanation of Environmental Behavior based on Lifestyle. Iranian Sociological Review, 12(3), 5565-.
26. Bourdieu, P. (1984). A social critique of the judgement of taste. Traducido del francés por R. Nice. Londres, Routledge.

27. Chapman, D. (2013). *Home & Social Status* 111. Routledge.
28. Coleman, M., Ganong, L. H., Clark, J. M., & Madsen, R. (1989). Parenting perceptions in rural and urban families: Is there a difference?. *Journal of Marriage and the Family*, 329-335.
29. Cornelisse-Vermaat, J. R., & Van Den Brink, H. M. (2007). Ethnic differences in lifestyle and overweight in the Netherlands. *Obesity*, 15(2), 483-483.
30. Gans, H.J. (1969) *The Levittowners: Ways of Life and Politics in a New Suburban Community*, Vintage Books, New York.
31. GIDDENS, A. (1991). *Modernity and Self-Identity*, Cambridge: Polity.
32. Harrison, A. O., Wilson, M. N., Pine, C. J., Chan, S. Q. & Buriel, R. (2013). Family ecologies of ethnic minority children. In *Adolescents and Their Families* (pp. 87-102). Routledge.
33. Havighurst, R.J. and de Vries, A. (1969) Life styles and free time activities of retired men, *Human*
34. Holt, D. B. (1997). Poststructuralist lifestyle analysis: Conceptualizing the social patterning of consumption in postmodernity. *Journal of Consumer research*, 23(4), 326-350.
35. Melé, D. & Sánchez-Runde, C. (2013). Cultural diversity and universal ethics in a global world. *Journal of Business Ethics*, 116, 681-687.
36. Parker, S. (1975). The sociology of leisure: progress and problems. *The British Journal of Sociology*, 26(1), 91-101.
37. Perreault, W. D., Darden, D. K. & Darden, W. R. (1977). A psychographic classification of vacation life styles. *Journal of Leisure Research*, 9(3), 208-224.
38. Pogge, T. W. M., Horton, K. & Horton, K. (2008). *Global ethics: seminal essays* (Vol. 2). St. Paul, MN: Paragon House.
39. Ryckman, R. M. (2012). *Theories of personality*. Cengage Learning.
40. Seeley, J.R., Sim, R.A. & Loosely, E.W. (1956). *Crestwood Heights: A Study of the Culture* q[
41. Sorensen, T. I. (2000). The changing lifestyle in the world. *Diabetes care*, 23, B1.
42. Stevenson, A. (Ed.). (2010). *Oxford dictionary of English*. Oxford University Press, USA.
43. Stoltz, K.B., Wolff, L.A., Monroe, A.E., Farris, H.R. & Mazahreh, L.G. (2013). Adlerian lifestyle, stress coping and career adaptability: Relationships and dimensions. *The Career Development Quarterly*, 61(3), 194-20
44. Twiss, S. B. (2011). Global ethics and human rights: a reflection. *Journal of Religious Ethics*, 39(2), 204-222.
45. Uth, T. C. (1996). Definitions of life style and its application to travel behavior. In *Proceedings from the Annual Transport Conference at Aalborg University* (Vol. 3, No. 1).
46. van Nieuwenhuijze, C. A. O. (1985). Lifestyle as civilization. In *The Lifestyles of Islam* (pp. 93-132). Brill.
47. Veal, A. J. (1993). The concept of lifestyle: a review. *Leisure Studies*, 12(4), 233-252.
48. Vernon, L. & Cox, M. (2013). Poverty, rurality, parenting and risk: An introduction. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 78(5), 1-23.
49. Wilensky, H.L. (1970). Emerging leisure styles: a microscopic prediction about the fate of the
50. Zablocki, B. D. & Kanter, R. M. (1976). The differentiation of life-styles. *Annual review of sociology*, 2(1), 269-298.